

نگاهی نوبه جمع قرآن

□ علی اصغر ناصحیان^۱

□ عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

در این پژوهش، دیدگاه قائل به عدم جمع قرآن (در قالب مصحف) در عهد پیامبر ﷺ به تفصیل به نقد کشیده شده و با شواهد و دلایل متعدد رد شده است. در بخش دوم با استناد به روایات صحابه، احادیث نبوی و شواهد عقلی و نقلی متعدد جمع و تألیف آیات و سوره‌های قرآن (در قالب مصحف) در عهد پیامبر ﷺ اثبات گردیده است.

واژگان کلیدی: علوم قرآنی، تاریخ قرآن، جمع قرآن، مصحف، حدیث.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم و بحث‌انگیز در تاریخ قرآن، مبحث جمع قرآن کریم می‌باشد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا روشن شدن حقیقت مطلب در این موضوع افزون بر ایجاد آگاهی و معرفت بیشتر نسبت به چگونگی چینش آیات

1 - 2

و سوره‌های قرآن، جلوی شماری از شهادت را که دربارهٔ نص قرآن کریم مطرح است می‌گیرد و راه را برای تبیین بهتر تحریف‌ناپذیری قرآن هموار می‌سازد. مراحل جمع قرآن در سه مقطع قرار می‌گیرد: ۱. جمع و تدوین آیات در سوره‌ها؛ ۲. جمع سوره‌ها در قالب مصحف؛ ۳. یکسان‌سازی مصاحف و تدوین مصحف عثمانی. دربارهٔ مقطع اول و سوم اختلاف و اشکال زیادی وجود ندارد. آنچه شایستهٔ بحث و پژوهش بیشتر است؛ مسئلهٔ جمع و تألیف سوره‌های قرآن در قالب مصحف است. با اینکه در موضوع جمع قرآن، فراوان نوشته شده و آثار ارزشمندی سامان یافته، ولی برخی ابعاد آن بویژه مسئلهٔ جمع قرآن در قالب مصحف، همچنان در میان دانشوران تفسیر و علوم قرآنی، مورد اختلاف جدی باقی مانده و نیازمند تحقیق و پژوهش است.

بر اساس شواهد تاریخی، در خلافت معاویه بن ابی‌سفیان روایات فراوانی در فضل خلفای ثلاثه و نیز برای تأیید برخی بدعتها و انحرافات مکتب خلفا جعل گردید (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۱۵/۳-۱۶؛ عسکری، ۱۴۱۷: ۵۷۳/۲ و ۵۷۴). از آنجا که تدوین تاریخ و حدیث اهل سنت، در نیمهٔ اول قرن دوم (یوسفی، ۱۴۱۷: ۲۱ و ۲۲) و پس از شهرت یافتن این گونه روایات محرف و مجعول آغاز شد، بخش نسبتاً زیادی از جعلیات مزبور به کتب تاریخی و حدیثی اهل سنت راه یافت و موجب شد که بسیاری از حقایق در میان انبوهی از روایات متعارض و ناهمگون گم شود.

مسئلهٔ «جمع قرآن» یکی از این حقایق است که در لابلای گزارشها و مطالب ضد و نقیض، دچار ابهام و پیچیدگی گردید؛ لذا روشن ساختن حقیقت مطلب در این باره دشوار می‌نماید و با اینکه موضوع بحث، یک مسئلهٔ تاریخی است، در تبیین آن نمی‌توان تنها به گزارشهای تاریخی موجود که غالباً متأثر از جعلیات یادشده یا برگرفته از آنهاست، بسنده کرد، بلکه باید از قرائن و شواهد گوناگون، اعم از نقلی، عقلی، تاریخی و حدیثی و... بهره گرفت و با نقادی، تحلیل و بررسی و جرح و تعدیل گزارشها و شواهد گوناگون، حقیقت را از لابلای آنها بیرون کشید، با این

۱. مطلب یادشده با روایاتی که در خلال بحث خواهید دید، تأیید می‌گردد.

حال، اگر در نهایت، دلیل قطعی بر یک دیدگاه نیافتیم باید رأی را برگزینیم که بیشترین شواهد و کمترین اشکال را دارد. از آنجا که توجه به معنای درست واژه‌ها در دریافت و نتیجه‌گیری صحیح از گزارشها مؤثر است، نخست واژه‌های «جمع قرآن، صحیفه و مصحف» را بیان می‌کنیم و سپس وارد اصل بحث می‌شویم.

۱. توضیح واژگان

۱-۱. «جمع» و «جمع قرآن»

جمع در لغت به معنای گرد آوردن و کنار هم گذاشتن چیزها و اجزای پراکنده است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۷۹/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۳/۸؛ فیروزآبادی، بی‌تا: ۱۴/۳). و جمع قرآن، در اصطلاح احادیث و دانش علوم قرآنی به معنای تدوین، تألیف و گردآوری آیات و سوره‌های قرآن کریم است که مصادیق آن دو گونه است:

۱. گردآوری و تدوین آیات در سوره‌ها؛

۲. گردآوری و تألیف سوره‌ها به صورت کتاب که به آن مصحف گفته

می‌شود.

افزون بر معنای لغوی کلمه «جمع»، روایات فراوانی شاهد بر کاربرد تعبیر «جمع قرآن» به معنای گردآوری و تألیف قرآن است. شماری از این روایات را در خلال بحث خواهید دید. احادیث جمع قرآن توسط علی علیه السلام از آن جمله است: «فما وضعت ردائی حتی جمعت القرآن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۸۹).

زرقانی و شماری دیگر از عالمان اهل سنت بر این باورند که تعبیر «جمع قرآن» در شماری از روایات، به معنای حفظ قرآن به کار رفته است (ر.ک: ابن حجر، بی‌تا: ۱۰/۹؛ زرقانی، ۱۴۰۶: ۱۶۷/۱؛ الکردی، بی‌تا: ۲۰؛ العیید، بی‌تا: ۷)؛ شاهد و دلیلی از لغت، اشعار عرب یا روایات بر این مدعا ارائه نشده است. به نظر می‌رسد اعتقاد زرقانی و دیگر عالمان اهل سنت به اینکه قرآن در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب مصحف جمع نشده، تأثیر زیادی در اتخاذ این رأی داشته است؛ زیرا آنان در عین اعتقاد مزبور، روایاتی را

مشاهده کرده‌اند که می‌گویند: شماری از صحابه، قرآن را در عهد پیامبر جمع کردند.

آنان برای رفع تعارض یادشده، واژه «جمع» در این نوع روایات را به معنای حفظ گرفته‌اند. طبیعی است که شخص به هنگام تعارض برخی از روایات با عقیده‌اش، دست به توجیهاات خلاف ظاهر می‌زند.

برخی از نویسندگان اهل سنت برای تأیید ادعای یادشده، به آیه شریفه ﴿إِن عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ (قیامت/ ۱۷) (براستی بر عهده ماست که قرآن را [در سینه تو] گرد آوریم) استناد کرده و گفته‌اند «جمع» در آیه مزبور به معنای حفظ و به خاطر سپردن است (العبد، بی تا: ۷)؛ ولی این خود ادعای نادرست دیگری است که برای فرار از اشکال پیشین به آن روی آورده‌اند؛ زیرا اگر «جمع» در اینجا به معنای به خاطر سپردن بود، معنای آیه مزبور این گونه می‌شد: «حفظ و به خاطر سپردن قرآن و قرائت آن بر عهده ماست»، در این صورت مطلب ربطی به پیامبر ﷺ پیدا نمی‌کرد؛ زیرا حفظ کردن و به خاطر سپردن، همیشه در ذهن و ذاکرة شخص حفظ کننده انجام می‌گیرد؛ لذا هنگامی که کسی می‌گوید: «من فلان مطلب را حفظ کرده و به خاطر سپردم»، نمی‌توان ادعا کرد که مقصود او این بوده که آن را به حافظه دیگران سپرده است. از آنجا که حفظ و به خاطر سپردن در مورد خداوند نامعقول است؛ لذا واژه «جمع» در آیه مزبور، لزوماً باید به معنای گردآوری باشد نه حفظ و به خاطر سپردن. اگر جمع را در آیه مورد بحث به معنای گردآوری بگیریم، لازم نیست ظرف گردآوری، ذات خدای متعال باشد، ولی در صورتی که «جمع» به معنای حفظ و به خاطر سپردن باشد، طبعاً ظرف آن باید ذهن و ذاکرة حفظ کننده (خداوند) باشد. بدیهی است که این معنا درباره خدای متعال نادرست است.

از حدیث نبوی ذیل، استفاده می‌شود که در عهد پیامبر ﷺ واژه «حفظ» را برای اشاره به معنای «به خاطر سپردن و از بر کردن» به کار می‌برده‌اند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ اسْتَظْهَرَ الْقُرْآنَ وَحَفِظَهُ وَأَحْلَى حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَشَفَعَهُ فِي عَشْرَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، كُلَّهُمْ...» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۴۵/۴). نیز در شماری از روایات به حافظان قرآن «حملة القرآن» گفته شده است، مانند روایات ذیل:

عن رسول الله ﷺ قال: يقول الله عز وجل: يا حملة القرآن، تحببوا إلى الله تعالى، بتوقير كتابه، يزدكم حباً و يحببكم إلى خلقه (همان: ۲۵۴).

قال رسول الله ﷺ: إن أحق الناس بالتحشع في السر والعلانية لحامل القرآن وإن أحق الناس بالصلاة والصيام في السر والعلانية لحامل القرآن (همان: ۲۵۰). عنه ﷺ: حملة القرآن عرفاء أهل الجنة (كليني، ۱۳۶۳: ۶۰۴/۲).

از آنچه بیان شد آشکار گردید که عبارت «جمع قرآن» در عهد پیامبر ﷺ در معنای حقیقی آن، یعنی گردآوری و تألیف آیات و سوره‌های قرآن، یقیناً به کار رفته است؛ ولی کاربرد آن به معنای مجازی «حفظ کردن» مورد تردید می‌باشد. از آنجا که استعمال مجازی نیازمند قرینه است، اگر در مواردی ادعا شود که واژه «جمع» به معنای «حفظ کردن» استعمال شده، این معنا در صورتی پذیرفته می‌شود که قرینه‌ای در تأیید آن وجود داشته باشد.

۲-۱. صحیفه و مصحف

ابن منظور می‌نویسد: «الصحيفة: التي يكتب فيها و الجمع صحائف و المصحف و المصحف: الجامع للمصحف المكتوبة بين الدفتين. قال الأزهري: و إنما سمى المصحف مصحفاً لأنه أصحف أي جعل جامعاً للمصحف المكتوبة بين الدفتين» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۶/۹؛ نیز ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۲۰/۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۲۹/۱؛ ابن حجر، بی تا: ۱۵/۹).

بر اساس عبارات یادشده «صُحُف» به صفحات مکتوب گفته می‌شود و مصحف عبارت است از صفحات مکتوب متعددی که با قرار گرفتن بین دو جلد بین آنها پیوستگی ایجاد شده باشد.

۲. تألیف و ترتیب آیات در سوره‌ها

ترتیب آیات در سوره‌ها به اتفاق مسلمین بر اساس وحی و دستور پیامبر ﷺ انجام گرفته و توقیفی است. جلال‌الدین سیوطی در این خصوص از قول برخی از صاحب‌نظران علوم قرآنی چنین آورده است: «ترتیب الآيات في سورها واقع بتوقيفه ﷺ و أمره من غير خلاف بين المسلمين» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۱۱/۱-۲۱۲). از

این روست که فقها اجازه نمی دهند شخص در قرائت حمد و سوره در نماز، آیات را بر خلاف نظم کنونی قرائت کند.

ترتیب موجود در اکثر موارد بر اساس نزول است؛ یعنی آیات هر سوره به همان ترتیبی که نازل گردیده یکی پس از دیگری در سوره قرار گرفته است. طبق روایات، نزول هر سوره با نزول ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ آغاز می شد و آیات آن همان گونه که به تدریج پی در پی نازل می گردید به ترتیب ثبت می شد تا آنکه با نزول «بِسْمِ اللَّهِ» دیگری پایان سوره قبل و آغاز سوره جدید آشکار می گردید. امام صادق علیه السلام می فرماید: «... إِنَّمَا كَانَ يُعْرَفُ انْقِضَاءُ السُّورَةِ بِنَزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ابْتِدَاءً لِلْآخِرِ» (عیاشی، بی تا: ۱۹/۱)؛ همانا پایان سوره یا نزول «بِسْمِ اللَّهِ» که آغاز سوره بعد بود دانسته می شد.

این نوع ترتیب که نظم طبیعی نامیده می شود (معرفت، ۱۴۱۲: ۲۵۷/۱)، در آیات بیشتر سوره ها وجود دارد، ولی در برخی از سوره ها چنین ترتیبی دیده نمی شود، بلکه ممکن است آیه ای که در آغاز سوره آمده، زمان نزول آن بعد از زمان نزول آیاتی باشد که در بخشهای میانی یا پایانی سوره مزبور جای دارد. به عنوان مثال طبق حدیث امام باقر علیه السلام «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» که در آیه سوم از سوره مائده قرار گرفته، پس از کلیه آیاتی که در بیان فرائض می باشد نازل گردیده است؛ لذا با اینکه در بخش آغازین سوره مائده قرار دارد، ولی از حیث زمان نزول پس از تمامی آیاتی است که در این سوره راجع به احکام و شرایع نازل شده و در بخشهای بعدی سوره مزبور جای دارد. امام باقر علیه السلام می فرماید: «و كَانَتْ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْآخِرِ وَ كَانَتْ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَايِضِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ الْفَرِيضَةِ، قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَايِضَ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۸۹/۱).

به هر حال باید توجه داشت که نظم طبیعی آیات و نظم استثنایی آن، هر دو بر اساس وحی و دستور پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است.^۱

۱. سیوطی در این باره دو روایت در الاتقان ذکر می کند (ر.ک: ۱۴۱۶: ۲۱۲/۱).

۳. نظم سوره‌ها و جمع قرآن

درباره نظم سوره‌ها میان دانشوران قرآنی اختلاف است. بسیاری ترتیب کنونی سوره‌ها را حاصل اجتهاد صحابه می‌دانند؛ در مقابل گروهی از محققان معتقدند ترتیبی که اکنون در مصاحف دیده می‌شود، در زمان حیات پیامبر ﷺ و به امر آن حضرت صورت گرفته است.

طرفداران دیدگاه نخست بر این باورند که تألیف و ترتیب سوره‌های قرآن در مصحف به وسیله خلفا پس از رحلت پیامبر ﷺ انجام شده است و در زمان حیات پیامبر ﷺ تنها آیات از طریق وحی در سوره‌ها ترتیب یافته است.

۱-۳. نقد و بررسی دیدگاه عدم جمع قرآن در عهد پیامبر ﷺ

کسانی که معتقدند قرآن کریم در عهد پیامبر ﷺ گردآوری نشده و سوره‌های آن ترتیب کنونی را نداشته، به دلایلی تمسک جسته‌اند که اینک دلایل مزبور را ذکر نموده، نقد و بررسی می‌کنیم:

دلیل اول

در زمان حیات پیامبر ﷺ هر لحظه احتمال نزول سوره یا آیاتی می‌رفت، بنابراین تا پیش از یأس از نزول قرآن که به پایان یافتن حیات پیامبر ﷺ وابسته بود، ترتیب بین سوره‌ها امکان نداشت (معرفت، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

نقد و بررسی: به نظر می‌رسد بیان یادشده نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای به تعویق افتادن جمع قرآن باشد، زیرا اولاً: تنظیم تدریجی مصحف کاری ممتنع یا بسیار دشوار نبود که پیامبر ﷺ در عین اهتمام شدیدی که به صیانت قرآن داشت از آن صرف نظر کند، بلکه این امر با توجه به وجود نویسندگان متعددی که در خدمت پیامبر ﷺ بودند، می‌توانست به سهولت انجام گیرد، به این صورت که ابتدا کلیه سوره‌هایی که در گذشته نازل شده بود هر کدام در صفحه یا صفحاتی مستقل نگاشته و طبق دستور پیامبر ﷺ مرتب می‌شد و پس از آن، هر سوره‌ای که نازل می‌گردید، در صحیفه جداگانه‌ای نگاشته شده و به جایگاه ویژه خود ملحق

می‌گردید؛ الحاق آیاتی که احیاناً می‌بایست در بین آیات یکی از سوره‌های سابق قرار داده شود نیز چندان دشوار نبود؛ زیرا این کار حداکثر نیازمند بازنویسی صفحه مربوط همراه با آیه جدید بود. بنابراین با به کارگیری روش یادشده با پایان یافتن رسالت و نزول قرآن، مصحف کامل و دقیقی که مرجع مطمئنی برای امت باشد فراهم می‌شد.

ثانیاً: بر فرض پذیرفتن این مطلب که پیش از پایان نزول قرآن، جمع و تألیف آن به صورت مصحف میسر نبود، این امر مستلزم به تعویق افتادن جمع قرآن به زمان پس از رحلت پیامبر ﷺ نیست؛ زیرا اگر این کار بسیار مهم تا آخرین روزهای حیات پیامبر ﷺ، انجام نگرفته بود، رسول خدا ﷺ در آخرین روزهای زندگی خود آن را سامان می‌داد؛ چه اینکه شواهد تاریخی حاکی از آن است که آن حضرت از پایان عمر خود و پایان نزول قرآن آگاه شده بود^۱ و در روزهای آخر عمر خود به امور مهم و سرنوشت‌ساز مانند اعلان ولایت علی علیه السلام در غدیر و بیعت گرفتن از مردم بر ولایت ایشان، اهتمام فراوان می‌ورزید، با این حال چگونه ممکن بود از قرآن کریم که ثقل اکبر بود و آن حضرت اهتمام فوق‌العاده‌ای نسبت به آن داشت غافل شود، بویژه که آخرین آیه از قرآن که پس از آن هیچ آیه و سوره‌ای نازل نشد، طبق دیدگاه مشهور اهل سنت، آیه «و اتقوا يوماً ترجعون فيه إلى الله» (بقره/ ۲۸۱) است و ۹ روز پس از نزول آن، رسول خدا ﷺ از دنیا رفت (ر.ک: ابن سلیمان، بی‌تا: ۱/ذیل آیه ۲۸۱ بقره؛ ابن ابی حاتم رازی، بی‌تا: ذیل آیه ۲۸۱ بقره؛ ابن کثیر، ۱۴۰۲: ذیل آیه ۲۸۱ بقره؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۸۳/۱) و طبق دیدگاه راجح، آخرین آیه، آیه اکمال است که در هیجدهم ذی‌الحجه نازل شد و رسول خدا ﷺ حدود هفتاد روز پس از آن از دنیا رفت. بنابراین با توجه به اینکه طبق روایت صحیح: «عن زید بن ثابت: قال: کنا عند رسول الله تؤلف القرآن من الرقاع» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۲۴۹/۲؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۱۸۵/۵؛ زرکشی، ۱۳۷۶: ۱/۲۳۱) در روزهای پایانی عمر پیامبر ﷺ حداقل آیات قرآن در سوره‌ها گردآوری و مرتب شده بود، لذا تألیف سوره‌ها در قالب مصحف، در مدت

۱. چنانکه از پیامبر ﷺ نقل شده که نزول سوره «نصر» (که آخرین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است) حاکی از پایان عمر آن حضرت بود.

کوتاهی قابل انجام بود و اگر تا آن هنگام چنین کاری صورت نگرفته بود، طی چند ساعت با نظارت رسول خدا ﷺ انجام می گرفت.

دلیل دوم

طبق گزارشات مورخان و جوامع روایی اهل سنت، زید بن ثابت می گوید: پس از جنگ یمامه [که جمع کثیری از حافظان و قاریان قرآن در آن کشته شدند] ابوبکر مرا طلبید، هنگامی که وارد شدم عمر بن خطاب نیز نزد وی حضور داشت، ابوبکر گفت: عمر نزد من آمده می گوید جنگ خونبار یمامه گروهی از قراء و حافظان قرآن را طعمه خود ساخت، می ترسم جنگهای شدید دیگری رخ دهد و در نتیجه آن، بسیاری از قراء به شهادت رسند و بخش مهمی از قرآن از میان برود. من صلاح در این می بینم که دستور دهی قرآن جمع آوری شود. به عمر گفتم: چگونه کاری را انجام دهم که رسول خدا ﷺ انجام نداد؟ عمر گفت: به خدا سوگند این کار خیر است و او پیوسته در این باره به من مراجعه می کرد، تا آنکه خداوند سینه ام را برای پذیرش آن گشود و با عمر هم رأی شدم. زید می گوید: ابوبکر به من گفت تو جوان خردمندی هستی و مورد اتهام نمی باشی، در دوران رسول خدا ﷺ نیز نوشتن وحی را بر عهده داشتی، اینک جمع آوری قرآن را بر عهده بگیر، گفتم: چگونه کاری را که رسول خدا ﷺ انجام نداد می خواهید انجام دهید؟ ابوبکر گفت: سوگند به خدا این کار شایسته است و بر خواسته خود پیوسته اصرار ورزید تا آنکه خداوند به من هم شرح صدر داد و آنچه بر دل ابوبکر و عمر افکنده بود بر دل من نیز افکند؛ پس به تتبع و جستجوی قرآن برآمدم و قرآن را از روی نوشته های روی شاخه های خرما و الواح و سینه و حافظه مردم فراهم آوردم تا آنکه آخر سوره توبه را نزد خزیمه بن ثابت یافتم ﴿لقد جاءکم رسول من أنفسکم...﴾ (بخاری، ۱۴۰۱: ۵/۲۱۰ و ۲۱۱: سجستانی، ۱۴۰۵: ۱۳ و ۱۴).

نقد و بررسی

روایت یادشده یکی از چندین روایت مختلف، راجع به جمع قرآن پس از رحلت پیامبر ﷺ است که به استناد آنها می گویند: قرآن کریم در زمان حیات پیامبر ﷺ به

صورت مصحف گردآوری نشده بود. روایات مزبور به دلایل ذیل نادرست و غیر قابل اعتماد است (ر.ک: خوبی، ۱۴۰۱: ۲۴۷-۲۵۹؛ عسکری، ۱۴۱۷: ۸۴-۹۱ و ۶۷۱-۶۷۴؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۱۰۴-۱۰۶):

۱. بر اساس این روایات، قرآن بودن حداقل بخشی از قرآن به شهادت یک یا دو تن، ثابت گردیده و به ثبت رسیده است و یا حتی بدون شهادت کسی، قرآن بودن آن تأیید شده است: «فَقَمْتُ فَتَبَّعْتُ الْقُرْآنَ أَجْمَعَهُ مِنَ الرَّقَاعِ وَالْأَكْتافِ وَالْعَسْبِ وَصَدُورِ الرِّجَالِ حَتَّى وَجَدْتُ مِنْ سُورَةِ التَّوْبَةِ آيَتَيْنِ مَعَ خَزِيمَةَ الْإِنصَارِيِّ لَمْ أَجِدْهُمَا مَعَ أَحَدٍ غَيْرِهِ» (بخاری، ۱۴۰۱: ۵/۲۱۰ و ۲۱۱). این ادعای بسیار سخیفی است... و در بطلان آن شکی نیست؛ زیرا بدون تردید قرآن باید به تواتر به پیامبر ﷺ منتهی شود، بنابراین، روایات یادشده مخالف با ضروریات تاریخ و مسلمات دین است. این مطلب وقتی روشن تر می شود که بدانیم صدها تن - اگر نگوئیم هزاران تن - حافظ قرآن بودند و گفته می شود دهها یا صدها تن از آنان در واقعه یمامه و - پیش از آن هفتاد تن - در بئر معونه کشته شدند. با این حال آیا معقول است که دو آیه از قرآن را تنها ابو خزیمه انصاری یا خزیمه بن ثابت یا دیگری بدانند و سایر مسلمانان از آن بی خبر باشند، حتی امیر المؤمنین علیؑ، ابی بن کعب و ابن مسعود هم آن را ندانند؟

برخی در توجیه روایات مورد بحث، گفته اند مقصود از دو شاهد، دو شاهدی بوده که گواهی می داده اند بر اینکه این آیه یا سوره در محضر پیامبر نوشته شده است؛ بنابراین قرآنیّت نوشته های مزبور بدون شاهد مورد اتفاق بوده و خواستن شاهد به خاطر احتیاط بیشتر بوده است.

توجه به متن روایات مورد بحث به خوبی نشان می دهد که سخن یادشده، توجیهی خلاف ظاهر است و برای رفع اشکال از این روایات بیان شده است و چنانکه در ادامه بحث خواهید دید، اشکالات در روایات مزبور به حدی است که با این توجیه و امثال آن، مشکل رفع نمی شود.

۲. با توجه به اینکه قرآن کریم سند و منبع استوار شریعت بود و پیامبر ﷺ به اقتضای رسالت خود، اهتمام بسیاری به کتابت و نگهداری آن داشت، طبعاً نسخه کامل و دقیقی آیات و سوره های قرآن که با نظارت آن حضرت تهیه شده بود، در

بیت ایشان نگهداری می‌شد، زید بن ثابت می‌گوید: «کنا عند رسول الله ﷺ تؤلف القرآن من الرقاع» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۲/۲۴۹؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۵/۱۸۵؛ زرکشی، ۱۳۷۶: ۱/۳۳۱). این نسخه بسیار نفیس، نسخه‌ای نبود که در نگهداری آن کوتاهی شود و تا پس از جنگ یمامه باقی نماند، بویژه که کسی هم مدعی مفقود شدن آن نشده است؛ با این حال چرا زید بن ثابت برای اجرای دستور خلیفه، از آن نسخه استفاده نکرد؟ و با وجود آن نسخه، جستجو برای یافتن آیات نزد اشخاص با دو شاهد یا کمتر چه معنا داشت؟

این ادعا که پیامبر ﷺ در زمان حیات خود سوره‌های قرآن را به شکل کنونی تألیف نکرد و ابوبکر پس از جنگ یمامه، با بهره‌گیری از آیات و سوره‌هایی که در بین مردم پراکنده بود آن را تألیف کرد، به هیچ رو با عقل سلیم سازگار نیست؛ زیرا جمع قرآن به شیوه یادشده، به معنای آن است که پیامبر ﷺ با اینکه از کاتبان فراوانی برای نگارش قرآن بهره می‌گرفت، ولی حتی یک نسخه کامل از قرآن برای استنساخ و بهره‌گیری مردم از خود باقی نگذاشت و ابوبکر مجبور شد برای جمع قرآن از آیات و سوره‌هایی که در بین مردم پراکنده بود استفاده کند. بدیهی است که این مطلب با دوراندیشی و اهتمام فوق‌العاده پیامبر نسبت به قرآن کریم سازگار نیست.

۳. اگر پیامبر ﷺ در زمان حیات خود، قرآن را به صورت مصحف تألیف نکرده و کار جمع قرآن را به عهده امت گذاشته بود تا پس از رحلت او و انقطاع وحی آن را تألیف کنند، چرا ابوبکر پس از به دست گرفتن قدرت، بلافاصله اقدام به جمع آوری قرآن نکرد، بلکه پس از جنگ یمامه حدود یک سال بعد از رحلت پیامبر ﷺ^۱ به فکر این کار افتاد؟ و نیز چرا (طبق این روایات) ابوبکر و زید بن ثابت ابتدا در انجام آن تردید داشتند؟ در این فرض جایی برای تردید نبود.

۴. در روایات جمع قرآن توسط ابوبکر آمده است که در این مرحله، قرآن در صحنی جمع آوری شد، یعنی گردآوری در قالب مصحف نبود. ابن حجر می‌نویسد:

۱. از منابع ذیل به دست می‌آید که جنگ یمامه در سال دوازدهم هجری آغاز شده یا تا آن سال ادامه داشته است (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۳/۵۸۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲/۵۵۰ و ۳/۹۲۵).

«...إِنَّ الصُّحُفَ، الْأُورَاقَ الْمَجْرَدَةَ الَّتِي جُمِعَ فِيهَا الْقُرْآنُ فِي عَهْدِ أَبِي بَكْرٍ وَكَانَتْ سُورًا مَفْرَقَةً كُلِّ سُورَةٍ مَرْتَبَةً بِآيَاتِهَا عَلَى حِدِّهِ لَكِنْ لَمْ يَرْتَبْ بَعْضُهَا إِثْرَ بَعْضٍ فَلَمَّا نَسَخَتْ وَرَتَّبَ بَعْضُهَا إِثْرَ بَعْضٍ صَارَتْ مَصْحَفًا» (ابن حجر، بی تا: ۱۵/۹) و نیز راجع به سرنوشت آنچه ابوبکر جمع کرده در صحیح بخاری و دیگر منابع این گونه نوشته‌اند: «فَكَانَتْ الصُّحُفُ عِنْدَ أَبِي بَكْرٍ حَتَّى تُوْفِيَ اللَّهُ ثُمَّ عِنْدَ عُمَرَ حَيَاتِهِ ثُمَّ عِنْدَ حَفْصَةَ بِنْتِ عُمَرَ...» (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۱۱/۵؛ زرکشی، ۱۳۷۶: ۲۳۶/۱؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۶۱/۱ و ۱۶۴). با توجه به این مطلب دو اشکال مطرح می‌شود:

الف) طبق روایت صحیح، که زید بن ثابت می‌گوید: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نُوَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرِّقَاعِ»^۱ و نیز به دلیل اجماع مسلمین، جمع آیات قرآن در سوره‌ها در زمان پیامبر ﷺ و با نظارت آن حضرت انجام شده بود (سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۱۱/۱ و ۲۱۲)، در این صورت کار جمع آیات در سوره‌ها از سوی ابوبکر کار تازه‌ای به حساب نمی‌آید. این کار چه مزیت و فایده‌ای داشت و ابوبکر با انجام آن، چه کار به زمین مانده‌ای را به انجام رساند؟

ب) اگر تا آن هنگام قرآن به صورت مصحف جمع‌آوری نشده بود و پیامبر ﷺ تألیف مصحف را به بعد از وفات خود موکول نموده بود، چرا ابوبکر در این کار سوره‌ها را در قالب مصحف تألیف نکرد و نسخه‌ای را که فراهم آورد، در اختیار مسلمانان قرار نداد تا از روی آن استنساخ کنند؟ اگر مؤمنان تا آن زمان مصحف نداشتند، با توجه به اینکه طبق این روایات زید بن ثابت با تلاش زیاد و استمداد از دیگران و زیر نظر خلیفه، نسخه کاملی از قرآن فراهم کرد، طبعاً می‌بایست نسخه مزبور در اختیار مردم قرار گیرد تا همه با استنساخ از روی آن، برای خود مصحف تهیه کنند، ولی طبق این روایات، نسخه یادشده به ابوبکر سپرده شد و پس از ابوبکر در اختیار عمر بود و سپس نزد حفصه نگهداری می‌شد تا آنکه در زمان یکسان‌سازی مصاحف از آن استفاده شد.

۵. به دلیل اجماع و طبق روایت صحیح: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نُوَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنْ

الزقاع، (زرکشی، ۱۳۷۶: ۳۳۱/۱) حداقل کار جمع آیات در سوره‌ها در زمان پیامبر انجام شده بود، یا این حال چگونه می‌توان این روایات را پذیرفت و بر اساس آنها ادعا کرد که قرآن کریم در زمان پیامبر ﷺ در روی الواح، استخوانهای شانه شتر و مانند آن تراکنده بود و برای نخستین بار ابوبکر آن را جمع کرد، با اینکه طبق آنچه در صحیح بخاری آمده (۱۴۰۱: ۹۷۶ و ۹۹)، جمع ابوبکر کامل‌تر از جمع پیامبر ﷺ نبوده، نه دلیل آنکه جمع در صحف بوده است، نه جمع در مصحف و جمع آیات در سوره‌ها بوده به جمع سوره‌ها در مصحف.

ادعای برخی مبنی بر اینکه ابوبکر برای نخستین بار قرآن را در قالب مصحف گرد آورده، قابل پذیرش نیست و مشکل را حل نمی‌کند؛ زیرا دلیل معتبری ندارد و با روایت صحیح بخاری در تعارض است.

با نظر به وجود اشکالات یادشده در روایات مزبور و نیز ناسازگاری و تعارض بین آنها با همدیگر و تعارض آنها با احادیث و روایات فراوانی که حاکی از جمع قرآن و تألیف مصحف در زمان حیات پیامبر ﷺ می‌باشد، نمی‌توان با استناد به آنها عدم جمع و تألیف قرآن در عهد رسول خدا ﷺ را اثبات کرد؛ بویژه که احادیث و روایات وجود مصحف در عهد رسول خدا ﷺ در حدی از کثرت است که موجب علم می‌گردد و به لحاظ محتوا نیز مشکلی ندارد، بلکه کاملاً منطقی و معقول است. با این حال چگونه می‌توان روایات آغاز جمع قرآن در عهد ابوبکر را که از جهات مختلف دچار اشکال است بر احادیث مزبور مقدم داشت؟

اگر روایات جمع قرآن توسط ابوبکر را پالایش نموده و بخشهای واضح البطلان آنها را کنار بگذاریم، در نهایت آنچه از مجموع آنها به دست می‌آید و قابل قبول می‌باشد، این است که در عهد خلافت ابوبکر، هیئت حاکمه، زید بن ثابت را مأمور کرد تا نسخه‌ای از قرآن آماده شود، وی فرمان خلیفه را اجابت کرده و با کمک گرفتن از نسخه‌هایی که در اختیار مردم بوده و مقابله آنها با یکدیگر، مجموع سوره‌های قرآن را در برگه‌هایی تدوین کرده و در اختیار خلیفه گذاشته است. نسخه

نگاهی نو به جمع قرآن / پژوهشها

روایات مورد اشاره زیر عنوان دلایل جمع قرآن در عهد پیامبر ﷺ خواهد آمد.

مزبور نزد ابوبکر بوده و پس از او به عمر و سپس به حفصه دختر ائمه انتقال یافته و در زمان یکتان‌سازی مصاحف در خلافت عثمان از آن استفاده شده است.

دلیل سوم

طبق حدیث امام صادق علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، قرآن پشت بستر من در صحیفه‌ها، حریر و کاغذ است آن را برگیرید و گردآورید و ضایع مکنید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۸/۸۹). به سبب توصیه مزبور، علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌درنگ به جمع قرآن کریم مبادرت ورزید و آن را به طور کامل تألیف کرد. حدیث یادشده و نیز اقدام امیرالمؤمنین به جمع قرآن که با احادیث و روایات فراوانی از طرق عامه و امامیه تأیید می‌گردد، حاکی از آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود، قرآن کریم را به صورت مصحف جمع‌آوری نکرده بود، در غیر این صورت توصیه آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام بی‌مورد بود.

بررسی دلیل سوم

احادیث و روایات فراوانی از طرق فریقین، واقعه جمع‌آوری قرآن توسط علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید می‌کند، ولی توجه به ویژگیهای مصحف علی علیه السلام این مطلب را آشکار می‌سازد که آن مصحف شریف، در واقع افزون بر نص قرآن، یک دوره تفسیر کامل و دقیق بود که با املاهای پیامبر صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته شده بود، روشن است که تألیف نشدن این کتاب در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل بر تألیف نشدن مصاحفی که در بردارنده نص قرآن بود، نمی‌باشد و تأکید رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایت یادشده برای آن بود که نسخه در بردارنده قرآن همراه با تفسیر و معارف آن (که رسول خدا صلی الله علیه و آله از طریق وحی دریافت کرده بود) مفقود نشود. بدیهی است که سایر مصاحف نمی‌توانست جای نسخه مزبور را بگیرد. شواهد بسیاری که خواهیم آورد حاکی از آن است که صحابه با اشراف پیامبر صلی الله علیه و آله مصاحف بسیاری را نوشته‌و تألیف کرده‌اند، گرچه یقیناً برخی از آنها همه آیاتی را که تا آن زمان نازل شده بود در بر نمی‌گرفت، ولی شماری از روایات و قرائن گویای آن است که مصاحف تأییدشده و کاملی نیز وجود داشته که بعضی

از صحابه تحت اشراف پیامبر ﷺ آنها را برای خود ترتیب داد و بودند.

از جمله شواهدی که نشان می‌دهد پیش از تألیف و عرضه مصحف علی رضی الله عنه مصاحفی وجود داشته، روایت ذیل است: عن أبي عبد الله رضی الله عنه قال: «... فإذا قام القائم رضی الله عنه قرأ كتاب الله عز وجل على حده و أخرج المصحف الذي كتبه علي رضی الله عنه و قال: أخرج علي رضی الله عنه إلى الناس ... فقال لهم: هذا كتاب الله عز وجل كما أنزله [الله] على محمد رضی الله عنه و قد جمعته بين اللوحين فقالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فيه القرآن لا حاجة لنا فيه» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۱۳؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۶۳۳/۲).

چنانکه می‌بینید بر اساس این روایت وقتی علی رضی الله عنه مصحف خود را عرضه نمود به او گفتند: «عندنا مصحف جامع فيه القرآن لا حاجة لنا فيه»؛ یعنی ما مصحف جامعی داریم که همه سوره‌های قرآن را در بر می‌گیرد و نیازی به مصحف تو نداریم. از این جمله استفاده می‌شود که در آن زمان، واژه مصحف برای مسلمانان شناخته شده بوده و پیش از تألیف مصحف علی رضی الله عنه، مصاحفی در بین مسلمانان وجود داشته که برخی جامع (دربردارنده همه آیات و سوره‌ها) و برخی غیر جامع بوده‌اند.

از آنچه بیان نمودیم روشن شد که دلایل یادشده از اثبات عدم تألیف مصحف در عهد پیامبر رضی الله عنه قاصر است.

۲-۳. دلایل جمع قرآن کریم در عهد پیامبر رضی الله عنه

در برابر دیدگاه مشهور، شماری از بزرگان بر این باورند که سوره‌های قرآن کریم در عهد رسول خدا رضی الله عنه ترتیب یافته و در قالب مصحف تألیف شده است. شواهد فراوانی این دیدگاه را تأیید می‌کنند. این شواهد در سه دسته قابل ارائه است:

۱. سخنان و گزارشهای صحابه، ۲. احادیث نبوی، ۳. شواهد عقلی.

الف) گزارشهای صحابه و تابعان از تألیف مصحف در عهد پیامبر رضی الله عنه
شماری از روایات، از جمع قرآن توسط عده‌ای از صحابه در عهد پیامبر رضی الله عنه گزارش می‌دهد و برخی روایات گویای آن است که در حیات پیامبر قرآنهایی به صورت مصحف وجود داشته است. به روایات ذیل بنگرید:

۱. زید بن ثابت می‌گوید: «کنا عند رسول الله ﷺ نؤلف القرآن من الرقاع...»^۱ نزد پیامبر ﷺ بودیم و از صفحات مکتوب، قرآن را تألیف می‌کردیم. این روایت در پرتو روایات بعدی، حاکی از آن است که کاتبان وحی زیر نظر رسول خدا ﷺ به تألیف آیات و سوره‌های قرآن اشتغال داشته‌اند.

۲. عن أبي محرز أن عثمان بن أبي العاص وفد إلى رسول الله ﷺ مع ناس من ثقیف، فدخلوا على النبي ﷺ... قال: فدخلت على رسول الله ﷺ، فسألته مصحفاً كان عنده، فأعطانيه و استعملني عليهم، و جعلني إمامهم و أنا أصغرهم (طبرانی، بی‌تا: ۶۱/۹).

ابومحرز گوید: عثمان بن ابی‌العاص با مردمی از ثقیف بر پیامبر ﷺ وارد شدند، ... عثمان گفت: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم و مصحفی را که نزد ایشان بود خواستم، حضرتش آن را به من عطا فرمود و مرا امام آنان قرار داد در حالی که کوچکترین آنان بودم.

روایت یادشده گویای آن است که تألیف قرآن در قالب مصحف در زمان رسول خدا ﷺ صورت گرفته است. روایت یادشده به ضمیمه روایت زید بن ثابت «کنا عند رسول الله ﷺ نؤلف القرآن من الرقاع» این احتمال را تقویت می‌کند که پیامبر ﷺ به هدف نشر قرآن با به کارگیری کاتبان فراوانی که در خدمت آن حضرت بودند، نسخه‌های متعددی از قرآن را فراهم می‌آورده و به برخی از هیتهایی که به محضر ایشان شرفیاب می‌شده‌اند، اهدا می‌نموده است.

۳. ابوامامه باهلی می‌گوید، رسول خدا ﷺ در حجة الوداع فرمود: ای مردم پیش از آنکه دانش از شما گرفته شود و از میان برود آن را بگیرید... شخصی اعرابی عرض کرد: «یا نبی الله کیف یرفع العلم منا و بین أظهرنا المصاحف و تعلمنا ما فیها و علمناها نساءنا و ذرارینا و خدمنا؟...» (ابن حنبل، بی‌تا: ۲۶۶/۵؛ طبرانی، بی‌تا: ۲۱۵/۸ و ۲۱۶؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۲۰۰/۱)؛ ای پیامبر خدا! چگونه علم از میان ما برداشته می‌شود، در حالی که مصاحف در اختیار ماست و آنچه در آن می‌باشد فراگرفتایم و به زنان و

فرزندان و خدمتکارانمان آموخته‌ایم؟ ...

۴. از طریق ابوعبدالرحمن حبلی از عبدالله بن عمرو این گونه روایت شده است: «إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ﷺ بَابِن لَه فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ ابْنِي هَذَا يَقْرَأُ الْمُصْحَفَ بِالنَّهَارِ وَيَبِيتُ بِاللَّيْلِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا تَنْقُمُ أَنْ ابْنِكَ يَظَلَّ ذَاكِرًا وَبَيْتَ سَالِمًا» (ابن حنبل، بی تا: ۱۷۳/۲؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۲۷۰/۲).

دو روایت یادشده نیز به روشنی حاکی از آن است که قرآن کریم در عهد پیامبر به صورت مصحف تألیف شده و در تعلیم و تعلم و قرائت از آن استفاده می شده است.

۵. جعفر بن محمد بن علی عن أبيه عن علي بن الحسين عن ابن عباس قال: كانت المصاحف لا تباع كان الرجل يأتي بورقه عند النبي ﷺ، فيقوم الرجل فيحسب فيكتب ثم يقوم آخر فيكتب حتى يفرغ من المصحف (بيهقی، ۱۴۱۳: ۱۶/۶؛ سیوطی، بی تا: ۸۲/۱. عبارت مطابق منبع نخست است)؛ امام سجاد از ابن عباس نقل می کند که در عهد پیامبر ﷺ مصحفها خرید و فروش نمی شد، بلکه شخص [مقاضی مصحف] بر گه های آن را نزد پیامبر ﷺ می آورد، پس افراد برای درک ثواب به نوبت می نوشتند تا مصحف کامل می شد.

این روایت و روایات بعدی نیز بوضوح گویای آن است که تدوین و تألیف مصحف در عهد پیامبر ﷺ امری رایج بوده و افراد مقاضی مصحف، بر گه های مورد نیاز را نزد پیامبر ﷺ می آورده اند و مصاحف زیر نظر آن حضرت نوشته می شده است.

۶. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن شراء المصاحف وبيعها فقال: إنما كان يوضع الورق عند المنبر و كان ما بين المنبر و الحائط قدر ما تمر الشاة أو رجل منحرف. قال: فكان الرجل يأتي و يكتب من ذلك، ثم إنهم اشتروا بعد [ذلك]. قلت: فما ترى في ذلك؟ قال لي: أشتري أحب إلي من أن أبيع، قلت: فما ترى أن أعطي على كتابته أجرًا؟ قال: لا بأس و لكن هكذا كانوا يصنعون (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۲۲/۵).

در این حدیث تصریح نشده که نگارش مصاحف به شیوه یادشده، در عهد پیامبر ﷺ بوده، ولی روایت پیشین و روایت بعدی قرینه بر این است که سنت

مزبور، مربوط به زمان حیات رسول خدا ﷺ بوده است. - - -
 ۷. حماد بن مسعدة عن يزيد يعنى ابن ابى عبيد عن سلمة و هو ابن الأکوع أنه كان يتحرى موضع مكان المصحف يسبح فيه و ذكر أن رسول الله ﷺ كان يتحرى ذلك المكان و كان بين المنبر و القبلة قدر ممر الشاة (مسلم، بی تا: ۵۹/۲).^۱

ب) تعبیر مصحف در احادیث نبوی

چنانکه خواهید دید، واژه «مصحف» در شمار زیادی از احادیث نبوی به کار رفته است. این احادیث نشانه آن است که در عهد پیامبر ﷺ مجموع سوره‌های نازل شده قرآن، برای تلاوت و تعلیم و تعلم به صورت مصحف تألیف شده و مصاحف فراوانی در اختیار مردم بوده است، در غیر این صورت، واژه مصحف برای آنان ناشناخته بود و چنان احادیثی از پیامبر ﷺ صادر نمی شد. احادیثی که تعبیر مصحف در آنها آمده در اقسام ذیل ارائه می گردد:

احادیث عبادت بودن نگاه به مصحف

عن أبي ذر قال: سمعت رسول الله يقول: النظر إلى علي بن أبي طالب عبادة و النظر إلى الوالدين برأفة و رحمة عبادة و النظر في المصحف عبادة و النظر إلى الكعبة عبادة (اربلی، ۱۴۰۵: ۶۲/۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۶/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۹/۹۸).^۲

۱. برای احادیث بیشتر ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱: ۱۰۲/۶ و ۱۰۳؛ ابن حنبل، بی تا: ۱۶۳/۲؛ قزوینی، بی تا، ۴۲۸/۱؛ ابن حجر، بی تا: ۴۸/۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۵: ۵۷۷/۲ و ۵۸۹؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۳۱۲/۹.
 در این روایات، تعبیر «جمع قرآن» به معنای تدوین و تألیف آیات و سوره‌های قرآن است، نه صرف حفظ و به خاطر سپردن؛ زیرا تردیدی نیست که حافظان قرآن در عهد پیامبر ﷺ بسیار بودند، به گونه‌ای که در جنگ یمامه که بیشتر آن را اعراب بادیه‌نشین تشکیل می دادند، سه هزار نفر از قاریان و حافظان قرآن حضور داشتند و هفتاد نفر از حافظان قرآن کشته شدند (ر.ک: نووی، ۱۴۰۷: ۱۹/۱۶؛ عسکری، ۱۴۱۷: ۴۱۱/۲ و ۴۱۲).

افزون بر این چنانکه در بحث از واژه «جمع» گفتیم، معنای حقیقی این واژه، گردآوری و تألیف است، لذا حمل آن بر معنای «حفظ» مجاز و نیازمند قرینه است و در موارد یادشده نه تنها قرینه بر معنای مجازی وجود ندارد، بلکه قرینه بر معنای حقیقی وجود دارد و آن کثرت حافظان قرآن است که به آن تعداد اندک محدود نمی شوند.

۲. برای احادیث بیشتر ر.ک: اربلی، ۱۴۰۵: ۶۲/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۴/۱؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ۴۶۳/۶؛ سیوطی، بی تا: ۲۲۳/۳؛ همو، ۱۴۰۱: ۱۷۵ و ۶۱۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۸/۱.

احادیث ترغیب به قرائت - از روی مصحف -

عن عثمان بن عبدالله بن أوس الثقفي عن جده قال: قال رسول الله ﷺ قراءة الرجل في غير المصحف ألف درجة و قراءته في المصحف تضاعف على ذلك ألفي درجة (طبرانی، بی تا: ۲۲۱/۱؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۶۵/۷؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۴۴/۲) ^۱

حدیث شکایت مصحف

عن جابر عن رسول الله ﷺ: «يجيء يوم القيامة المصحف والمسجد والعترة، فيقول المصحف: يا رب حرقوني ومزقوني ويقول المسجد: يا رب خربوني وعطلوني وضيعوني و تقول العترة: يا رب طردونا وقتلونا...» (شيخ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۷۴؛ لثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۱۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۵: ۱۹۳/۱۱).

احادیث به میراث گذاشتن مصحف

۱. و قال ابن عباس رضی الله عنهما: قال رسول الله ﷺ: سبعة أشياء يكتب للعبد ثوابها بعد وفاته: رجل غرس نخلاً و حفر بئراً و أجرى نهراً و بنى مسجداً و كتب مصحفاً و ورث علماً و خلف ولداً صالحاً يستغفر له بعد وفاته (کراجکی، ۱۳۹۴: ۵۹).
۲. و عن أنس قال: قال رسول الله ﷺ: سبعة يجري للعبد أجرهن من بعد موته و هو في قبره من علم علماً أو كرى نهراً أو حفر بئراً أو غرس نخلاً أو بنى مسجداً أو ورث مصحفاً أو ترك ولداً يستغفر له بعد موته (هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۶۷/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۴۲/۲) ^۲

سایر احادیث مصحف

۱. عنه رضی الله عنهما: «الغرباء في الدنيا أربعة، قرآن في جوف ظالم و مسجد في نادى قوم لا يصلون فيه و مصحف في بيت لا يقرأ فيه و رجل صالح مع قوم سوء» (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۶۱۶/۱).
۲. عن أبي الدرداء عن النبي ﷺ: «إذا زخرفتن مساجدكم و حلّيتن مصاحفكم فالدمار عليكم» (عاملی، ۱۳۶۸: ۸۶).

۱. برای احادیث بیشتر ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶: ۹۴/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۶/۸۹ و ۲۰۱؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۶۰۹/۲؛ نوری، ۱۴۰۸: ۲۰۱/۴، ۲۰۲ و ۲۶۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۵: ۵۱۰/۱ و ۵۳۶.
۲. برای احادیث بیشتر ر.ک: قزوینی، بی تا: ۸۷/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۹۹/۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷/۱۰۱.

۳. عن ابن عمر أن رسول الله ﷺ نهى أن يسافر بالمصاحف إلى أرض العدو مخافة أن يتناول منه شيء (سجستانی، ۱۴۰۵: ۲۰۶).

مجموع احادیث یادشده به روشنی گویای آن است که در عهد پیامبر ﷺ مصاحف فراوانی در اختیار مسلمانان بوده است، لذا رسول خدا ﷺ نکات و احکامی را درباره آن بیان فرموده است.

ج) حکم عقل

افزون بر دلایل یادشده، دو دلیل عقلی نیز بر جمع و تألیف قرآن در عهد پیامبر ﷺ وجود دارد:

الف. سفارشهای اکید پیامبر ﷺ نسبت به تعلیم و تعلم قرآن و تعیین ثوابهای بسیار برای تلاوت و ختم قرآن و نیز بر خورداری حافظان، قاریان و معلمان قرآن از امتیازات عالی و ویژه (عسکری، ۱۴۱۷: ۱/۱۶۵-۱۷۷)، انگیزه بسیار قوی برای جمع قرآن در قالب مصحف در مسلمانان به وجود آورده بود و آنان به مجموعه کامل و قابل حملی از قرآن نیاز داشتند تا در سفر و حضر همراه خود داشته باشند، لذا با وجود نوشت افزارها از قبیل قلم، کاغذ^۱ و قطعه‌های پوست دباغی شده و عدم مانع از تهیه چنین مجموعه‌ای، طبیعی است که این کار در عهد پیامبر ﷺ انجام گیرد. احادیث نبوی و روایات فراوانی که از صحابه آوردیم، شاهد تحقق خارجی انگیزه مزبور است.

ب. با نظر به اهتمام فوق‌العاده پیامبر ﷺ به حفظ و صیانت قرآن کریم و اهتمام آن حضرت به وحدت مسلمین چگونه ممکن بود، قرآن را بدون نظم و ترتیب رها کند. علامه سید شرف‌الدین عاملی رحمته الله در این باره می‌نویسد: هر کس پیامبر ﷺ را با حکمت بالغه و مقام خاتمیت نبوتش بشناسد و به مرتبه خیرخواهی و اخلاص او در راه خدا و قرآن و بندگان خدا واقف باشد و بلندنظری، دوراندیشی و احتیاط او را نسبت به آینده امت بداند، چنین شخصی محال می‌داند که پیامبر ﷺ قرآن را

۱. نام بردن قرآن از «قلم، قرطاس، رق، صحف» حاکی از آن است که این نوشت افزارها در عهد نزول قرآن وجود داشته و مردم با آنها آشنا بوده‌اند.

پراکنده و بی ترتیب رها کند؛ این کار از همت بلند و عزم راسخ و حکمت بی نظیر آن حضرت به دور است (شرف الدین موسوی، ۱۳۷۳: ۳۶).

دلایلی که ارائه شد، تردیدی باقی نمی گذارد که قرآن کریم در عهد پیامبر ﷺ در قالب مصحف تألیف شده است، لکن مستند بودن نظم کنونی سوره ها به دستور پیامبر ﷺ نیازمند شواهد بیشتری است.

۴. نظم و ترتیب سوره ها در مصحف

در شماری از احادیث از جمله احادیثی که راجع به فضیلت ختم قرآن رسیده، اشارات و قرائنی وجود دارد که از آنها استفاده می شود، منشأ نظم کنونی سوره ها در مصحف فعلی، توصیه و اشاره پیامبر ﷺ بوده است. احادیث ذیل از وجود نظم کنونی مصاحف در عهد رسول خدا ﷺ حکایت می کند:

۴-۱. احادیث ختم قرآن

۱. عن أبي قلابة يرفعه إلى النبي ﷺ قال: «من شهد فاتحة الكتاب حين يستفتح كان كمن شهد فتحاً في سبيل الله و من شهد حتى يختم كان كمن شهد الغنائم حتى تقسم» (سیوطی، بی تا: ۶/۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۵: ۵۴۲/۱)؛ کسی که به هنگام آغاز کردن قرآن شاهد «فاتحة الكتاب» باشد [و با تلاوت آن قرآن را آغاز کند] مانند کسی است که در یکی از فتوحات در راه خدا حاضر شود و کسی که به تلاوت قرآن ادامه دهد تا آنکه شاهد ختم آن گردد، مانند کسی است که [در جهاد] به هنگام گرفتن غنائم حاضر باشد تا آنکه تقسیم شود.

۲. قرأ ابن عباس على أبيّ، فلما ختم ابن عباس، قال: «استفتح بالحمد و خمس آيات من البقرة، هكذا قال لي النبي ﷺ حين ختمت عليه» (ابن جزری، بی تا: ۴۴۱)؛ ابن عباس بر ابيّ [بن کعب] قرائت نمود، پس هنگامی که ابن عباس قرآن را ختم کرد، ابيّ به او گفت: قرآن را [دوباره] با قرائت حمد و پنج آیه از بقره آغاز کن. [و سپس افزود] هنگامی که من قرآن را [در محضر پیامبر ﷺ] ختم کردم، رسول خدا ﷺ به من چنین گفت.

۳. عن ابن عباس عن أبي بن كعب عن النبي ﷺ: ... أنه إذا قرأ ﴿قل أعوذ بربِّ الناس﴾ افتتح من الحمد ثم قرأ من البقرة إلى ﴿و أولئك هم المفلحون﴾ (همان: ۲۴۴)؛ بر اساس روایت ابن عباس از ابی بن کعب، هنگامی که پیامبر ﷺ قرائت سوره ناس را به پایان می‌رساند، از سوره حمد آغاز می‌کرد و سپس آیاتی از سوره بقره را تا ﴿و أولئك هم المفلحون﴾ می‌خواند.

۴. عن ابن عباس أن رجلاً قال: يا رسول الله! أي الأعمال أفضل؟ قال: «الحال المرتحل، قال: يا رسول الله! وما الحال والمرتحل؟ قال: يضرب من أول القرآن إلى آخره ومن آخره إلى أوله» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۷۵۷/۱)؛ ابن عباس گوید: مردی به پیامبر ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! بهترین اعمال چیست؟ فرمود: «فرودآینده کوچ کننده»، عرض کرد: «فرودآینده کوچ کننده» چیست؟ فرمود: کسی است که [تلاوت] قرآن را از ابتدا آغاز کند و به پایان رساند و دوباره [برای قرائت مجدد] از انتهای قرآن به ابتدای آن برگردد. حدیث یادشده با اندکی تفاوت در لفظ به روایت امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل شده است (شیخ صدوق، ۱۳۶۸: ۱۰۲).

احادیث یادشده حاکی از آن است که قرآن کریم حداقل در سالهای آخر حیات پیامبر ﷺ دارای آغاز و پایان مشخصی بوده است، در غیر این صورت تعبیر «أول القرآن» و «آخره» در حدیث چهارم صحیح نبود؛ زیرا اگر سوره‌های قرآن در عهد پیامبر پراکنده و بدون نظم و ترتیب بود، در آن صورت آغاز و پایان مشخصی نداشت تا گفته شود بهترین عمل این است که از ابتدای قرآن تلاوت را آغاز کنیم و به انتهای قرآن ختم کنیم. افزون بر این در حدیث اول عبارت «من شهد فاتحة الكتاب حين يستفتح» آمده است و این تعبیر گویای آن است که در عهد پیامبر ﷺ مصاحف به ترتیب کنونی با فاتحة الكتاب آغاز می‌شده‌اند. حدیث دوم و سوم این مطلب را با وضوح بیشتری روشن می‌سازد؛ زیرا ظاهر دو حدیث مزبور گویای آن است که در عهد پیامبر ﷺ اولین سوره در مصاحف فاتحة الكتاب و دومین سوره بقره بوده است و ظاهر حدیث سوم حاکی از آن است که سوره ناس آخرین سوره بوده است.

روایت ذیل نیز مؤید حقیقت یادشده است: «اوس بن حذیفه گوید: من در میان

گروهی از بنی مالک بودم که اسلام آورده و به حضور پیامبر ﷺ رسیدیم. ما در خیمه‌ای جای داده شدیم و پیامبر ﷺ همه‌روزه در بازگشت از مسجد و پیش از رفتن به خانه نزد ما می‌آمد. او شبها پس از نماز عشاء نزد ما می‌ماند و از رفتاری که قوم وی در مکه و پس از مهاجرت به مدینه با او داشتند، سخن می‌گفت. پیامبر ﷺ شبی دیرتر از وقت همیشگی نزد ما آمد. علت تأخیر را از حضرتش پرسیدیم، فرمود: حزبی از قرآن [که هر شب تلاوت می‌کردم] باقی مانده بود، خواستم آن را به پایان برسانم، آن‌گاه از مسجد بیرون آمیم. صبح روز بعد از اصحاب رسول خدا پرسیدیم چگونه قرآن را حزب‌بندی می‌کنید؟ گفتند: آن را به شش سوره، پنج سوره، هفت سوره، نه سوره، یازده سوره، سیزده سوره تقسیم‌بندی می‌کنیم و حزب مفصلات (سوره‌های کوتاه که آیه‌های کوتاه دارند) از سوره «ق» تا پایان قرآن است» (ابن حنبل، بی‌تا: ۳۴۲/۴). این روایت دلالت می‌کند که در زمان حیات پیامبر ﷺ قرآن کریم دارای نظم کنونی بوده است؛ زیرا طبق آن، بخش سوره‌های مفصل از سوره «ق» تا آخر قرآن می‌باشد، بنابراین در آن هنگام قرآن آغاز و پایانی داشته و سوره‌های مفصل (سوره‌های کوتاه) در بخش پایانی آن قرار داشته‌اند، چنانکه اکنون نیز چنین است.

۲-۴. عنوان فاتحة الكتاب در احادیث نبوی

قرینه و شاهد دیگری که از توقیفی بودن نظم سوره‌ها حکایت دارد، عنوان فاتحة الكتاب برای سوره حمد است. این عنوان در شماری از احادیث نبوی به کار رفته است. عنوان مزبور دلالت می‌کند که در عهد پیامبر ﷺ سوره‌های قرآن ترتیب کنونی را داشته‌اند و پیامبر ﷺ از طریق وحی، نظم سوره‌ها را به مردم ابلاغ نموده است، در غیر این صورت عنوان فاتحة الكتاب مناسبتی با سوره حمد نداشت. ممکن است گفته شود وجه تسمیه این سوره به فاتحة الكتاب از آن جهت است که اولین سوره کاملی است که بر پیامبر ﷺ نازل گردیدم است. این مطلب پذیرفتنی نیست؛ زیرا می‌دانیم که نزول قرآن کریم بالاتفاق با آیاتی از اول سوره علق آغاز شد و با نزول آیاتی از سایر سوره‌ها ادامه یافت. بنابراین نزول کامل سوره حمد پس از نزول

چندین آیه از سوره‌ها، دیگر میناسبتی با عنوان «فاتحة الكتاب» ندارد، بویژه که بر اساس حدیث امام باقر علیه السلام نخستین سوره‌ای که به طور کامل پس از سوره علق نازل شده، سوره «ضحی» بوده است نه سوره حمد: عن أبي الجارود عن الباقر علیه السلام: ... و أنه كانت أول سورة نزلت: ﴿اقرأ باسم ربك الذي خلق﴾ ثم أبطأ عليه، فقالت خديجة لعل ربك قد تركك فلا يرسل إليك فأنزل الله تبارك و تعالی: ﴿وما ودعك ربك و ما قلى﴾ (قمی، ۱۴۰۴: ۴۲۸/۲). با توجه به اینکه آیات این سوره به لحاظ محتوا به هم پیوسته است، طبعاً باید یکجا نازل شده باشد.

از آنجا که دلیل قابل قبولی بر اینکه سوره حمد، نخستین سوره کامل قرآن باشد، در دست نیست، باید گفت عنوان فاتحة الكتاب بدان جهت است که این سوره نخستین سوره‌ای است که کتاب الله و مصحف شریف با آن آغاز می‌شود. افزون بر احادیث نبوی، احادیث سایر معصومان علیهم السلام نیز می‌تواند موضوع یادشده را تأیید کند؛ زیرا چنانکه خبرگان دانش قرآن گفته‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۸۶/۱؛ معرفت، ۱۳۷۸: ۱۱۲)، اسامی سوره‌ها توقیفی است، بنابراین نمی‌توان گفت عنوان فاتحة الكتاب که در احادیث امامان اهل البيت علیهم السلام آمده از عصر خلفا رایج شده و ائمه علیهم السلام نیز آن را به کار گرفته‌اند، با این حال ما در این مورد تنها به ذکر تعدادی از احادیث نبوی بسنده می‌کنیم:

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «هی أم الكتاب و هی فاتحة الكتاب و هی السبع المثانی» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۸۷/۱-۱۸۸؛ بیهقی، ۱۴۱۳: ۴۵/۲).

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «إذا وضعت جنبك على الفراش و قرأت فاتحة الكتاب و قل هو الله أحد، فقد أمنت من كل شيء إلا الموت» (ابن کثیر، ۱۴۰۲: ۱۲/۱).^۱

۳-۴. آرای برخی از بزرگان

به سبب دلالت قرائن و شواهد یادشده بر نظم یافتن آیات در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، جمعی از بزرگان عامه با اینکه روایات جمع قرآن در زمان خلفا را پذیرفته‌اند، در

۱. برای احادیث بیشتر ر.ک: بیهقی، ۱۴۱۳: ۱۰/۱۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۷۴۶/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۶۶/۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۲۴۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۱۲۰/۳؛ ابن سلیمان، بی‌تا: ۲۸/۱.

عین حال معتقدند نظم کنونی سوره‌ها در عهد پیامبر ﷺ صورت گرفته است که از آن میان می‌توان به ابوشامه مقدسی (۱۳۹۵: ۷۰)، بیهقی (سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۱۸/۱)، ابوجعفر نخاس (همان؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۶۰۱/۲) اشاره کرد.

سیوطی می‌نویسد: «از جمله قرائتی که بر توقیفی بودن نظم سوره‌ها دلالت دارد این است که سوره‌های «حوامیم» همگی پشت سر هم مرتب شده‌اند، ترتیب «طواسین» نیز چنین است، ولی «مسیحات» پی‌درپی قرار نگرفته‌اند، بلکه بین آنها با سوره‌های دیگر فاصله افتاده است. بین طسم شعراء، طسم قصص، یا طس که کوتاه‌تر از آن دو می‌باشد فاصله افتاده است. اگر ترتیب سوره‌ها اجتهادی بود، همه سوره «مسیحات» پشت سر هم قرار داده می‌شد و طس (سوره نمل) پس از سوره قصص قرار می‌گرفت» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۲۱۹/۱). افزون بر قرائن و شواهد یادشده، عقل نیز حکم می‌کند که به اقتضای حکمت خدای متعال، کتاب آسمانی اسلام که آخرین کتاب آسمانی و مرجع همه انسانها تا قیامت است، باید نظم ویژه‌ای داشته باشد تا به خاطر اختلاف سلائق، مصاحف مسلمین به لحاظ نظم سوره‌ها مختلف و گوناگون نشود.

شماری از بزرگان بر این باورند که قرآن کریم با همین نظم و ترتیب کنونی در عهد رسول خدا ﷺ سامان یافته است (ر.ک: ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۱۹۲ و ۱۹۳؛ خویی، ۱۴۰۱: ۲۵۳؛ شرف‌الدین، ۱۳۷۲: ۲۶).

سید بن طاووس بر اساس آنچه در بخش اول از تفسیر «جامع علم القرآن» از عبدالله بن احمد بن محمود، معروف به ابوالقاسم بلخی (م ۳۱۹ ق.) آمده می‌نویسد: بلخی بر این باور بود که پیامبر ﷺ خود قرآن را پیش از وفاتش جمع کرد، از این‌رو، وی این ادعا را که ابوبکر و عثمان پس از وفات پیامبر قرآن را جمع کرده‌اند، انکار نموده است (ر.ک: ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۱۶، ۱۹۲ و ۱۹۳).

از مباحث گذشته به این نتیجه می‌رسیم که سوره‌ها و آیات قرآن کریم در زمان حیات پیامبر ﷺ به شیوه کنونی تألیف شده بود و در آن زمان مصاحف کاملی وجود داشت، از این‌رو رسول خدا ﷺ نسبت به تحریف لفظی قرآن نگرانی نداشت، بر خلاف تحریف معنوی قرآن و تفسیر به رأی که بارها نگرانی خود را

نسبت به آن ابراز داشت، از جمله فرمود: «أكثر ما أخاف على أمتي من بعدى رجل يناول القرآن يضعه على غير مواضعه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۸۹)؛ بیشترین چیزی که از آن بر امت خود نگران هستم، این است که پس از درگذشت من کسی قرآن را در دست گیرد (به تفسیر آن پردازد) و آن را بر غیر معنای واقعی اش حمل کند.

اکنون این سؤال مطرح می‌گردد که با وجود مصاحف کامل، چرا رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین علیه السلام را مأمور جمع و تألیف قرآن نمود؟ مگر نه این است که قرآن در زمان حیات آن حضرت تألیف شده و آیات و سوره آن در مصاحف نظم و ترتیب یافته بود؟ پاسخ این است که همه مصاحفی که تا آن هنگام تألیف شده بود این کاستی را داشت که تفسیر و تأویل کامل آیات را که رسول خدا ﷺ از طریق وحی دریافت داشته بود در بر نمی‌گرفت، گرچه همه مصاحف یا بیشتر آنها در عهد رسول خدا ﷺ کم و بیش تفسیر مختصر شماری از آیات را نیز در بر داشت، قرآنی که امیرالمؤمنین علیه السلام مأمور جمع و تألیف آن گردید، افزون بر نص آیات با املائی صحیح، شامل ویژگیهای مهمی از جمله بیان کامل و دقیق تأویل و تفسیر همه آیات بود. بی‌شک سایر مصاحف به هیچ وجه نمی‌توانست جای چنین مصحفی را بگیرد.

كتاب شناسی

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.
۲. ابن ابی حاتم رازی، تفسیر ابن ابی حاتم، تحقیق اسعد محمد طیب، صیدا، المكتبة العصریه، بی تا.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد، التشریح فی القراءات العشر، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۴. ابن حجر، الاصابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵. همو، فتح الباری، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۶. ابن حنبل، احمد، مستند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۸. ابن طاووس، رضی الدین علی، سعد السعود، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳ ش.
۹. ابن عبدالبر، الاستیعاب، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. ابن فارس، ابوالحسن احمد، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بی جا، مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۲ ق.
۱۲. ابن منظور الافریقی المصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف القمه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین، سنن بیهقی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۱۷. حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، چاپ سوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم، البیان، چاپ هشتم، ایران، نور الهدی، ۱۴۰۱ ق.
۱۹. راجب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. زرقانی، عبدالعظیم، شامل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. زرکشی، بدرالدین، البرهان، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶ ق.
۲۲. سجستانی، ابوبکر عبدالله بن ابی داود، کتاب المصاحف، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۲۴. همو، الجامع الصغیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۲۵. همو، الدر المشور، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۲۶. شرف الدین موسوی، عبدالحسین، اجوبه مسائل جارالله، چاپ دوم، لبنان، ۱۳۷۳ ق.
۲۷. شیخ صدوق، الامالی، قم، مؤسسة البعثه، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. همو، النخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. همو، ثواب الاعمال، چاپ دوم، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۳۰. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تهران، اعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمیدی عبدالمجید سلفی، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.